



۲۰۱۶/۰۱/۲۶



قاسم باز

چرا یک عده دوستان سردار داوودخان عجله کردند؟

حضرت بیدل میفرماید:

به دل گفتم کدامین شیوه د شوار است در عالم

نفس در خون تپید و گفت پاس آشنا بی ها

به یاد دارم سالهای ۱۳۵۱ گاهی اوقات که به فامیلی های رهاپشی صاحبمنصبان حربی پوهنتون در پلچرخ در منزل عمه جان خود که شوهر محترم شان در آن وقت مدیر لوژستیک حربی پوهنتون دگروال سعادت خان منگل بود میرفتم ، گاهی اوقات دوستان نزدیک محترم دگروال صاحب سعادت خان منگل از قبیل، دگروال شاهپورخان احمدزی مدیر تدریسات حربی پوهنتون، دگروال منان خان استاد حربی پوهنتون، دگروال ماما زرغون شاه شینواری ، و دگروال کوهات خان شینواری را میدیدیم.

این افراد فوق الذکر نه تنها کی دوستان بودند بمانند مثل پنج برادر باهم رفت و آمد داشتند، اینها در هر عید و روزهای ملی غرض تبریکی نزد شهید مغفور سردار محمد داوودخان و مرحوم سردار عبدالولی رفت و آمد میکردند، اینها را هم جنرال سردار عبدالولی و هم سردار محمد داوودخان دوست داشتند. هم سردار داوودخان و هم سردار عبدالولی از علایق آنها به یکدیگر خوب واقف بودند. اینکه در طول مدت زمانکه سردار محمد داوودخان در فکر تحول بود ، اینها را در جریان تحول نگذاشته شاید علت آن ارتباطات و نزدیک تنگاتنگ آنها به جنرال سردار عبدالولی بوده باشد.

این افراد از زمان تصدی خان محمدخان مرستیال که بحیث والی ولایت ننگرهار مقرر شده بود با خان محمدخان مرستیال هم شناخت داشتند. مرحوم داوودخان در زمان وظایف مختلفه کی در ولایت ننگرهار اجرا نموده بود از جرأت خان محمد مرستیال خوب واقف بود، داوودخان میدانست که خان محمد خان مشهور به مرستیال که دست پرورده شخص محمد داوودخان بود به تمام معنی وی را خوب درک کرده بود، وی میدانست که آقای مرستیال هر کار را بدون ترس و کدام واهمه اجرا میکند، شاید اولین علت آن این بوده باشدکه مرحوم داوودخان وی را از جریان تحول واقف نساخته بود. وقتیکه غوث الدین فایق به تحول ضد سلطنت صاحب منصبان را جلب و جذب میکرد وی به بسیار جرات و بی پروایی در جلب و جذب افراد به پیش میرفت، مثلاً، اشخاص ذیل توسط غوث الدین فایق به تحول ۲۶ سرطان معرفی شده بودند. (عبدالحمید محتاط، فیض محمدخان وزیر، پادشاه گل وفادار، و حبیب الله زرمتی) و تعداد دیگری. این گونه جلب و جذب غوث الدین فایق به تحول، مرحوم داوودخان را در حصه خود بسیار محتاط ساخته بود، حتی در سالهای اخیر شهید داوودخان به غوث الدین فایق گفته بود که کوشش کن ارتباطات خود را بمن کمتر سازید هر چیزی مهم و ضروری که داشته باشید به شخص باز محمد خان بگوئید، اگر لازم ببینم بشما ملاقات نمایم از طریق بازمحمدخان باشما تماس خواهم گرفت. چنانچه دویار ضرورت افتید که مرحوم داوودخان وی را ببیند، یک بار پدرم وی را از حیرتان و بار دیگر از ننگرهار نظر به هدایت مرحوم داوودخان بکابل غرض ملاقات توسط پدرم خواسته بود.

وقتیکه تحول ۲۶ سرطان به وقوع پیوست، در اوایل صبح اول زمانیکه خان محمد خان مرستیال غرض تبریکی نزد مرحوم داوودخان آمد، مرحوم داوودخان هم بدون ضایع کردن وقت به خان محمد خان مرستیال دستور داد

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليولو مخکې په خير و لولۍ

که شما به وزارت دفاع بروید و امورات وزارت دفاع را کنترل نمایید، خان محمدخان مرستیال هم بیدرنگ و بدون معطلی به وزارت دفاع رفته شروع به امر ونهی نمود. وی در قدم اول وقتیکه در زینه های وزرات به دفتر موقت خود بالا میشود در دهلیز وزارت دفاع یک صاحب منصب که وی ازسابق با ان خصومت داشت وی را تحقیر و توهین می نماید، که این عمل وی در ان لحظات اول سوء تفاهم بین انقلابیون و وی بوجود آورد، همچنان با انهم که تحول پیروز گردیده بود وی تصور میکرد که بعد از این وی وزیر دفاع است، در این اثنا بین وی و انقلابیون تحول ۲۶ سرطان نزاکت پیدا میشود و شکایت یک عده صاحب منصبان بلند میشود ، وقتیکه مرحوم داوودخان از جریانات وزارت دفاع واقف میگردد ، غوث الیدین فایق را وظیفه میدهد که بوزارت دفاع بروید و خان محمدخان را بگویید که فعلاً بخانه برود. وقتیکه لازم دیده شد وی را مطلع خواهیم ساخت، همان بودکه غوث الیدین فایق ساعت دو و یا سه بجه روز ۲۶ سرطان به وزارت دفاع میروند و هدایت سردار داوودخان را به مرستیال خان محمد خان ابلاغ میکند. بدن ترتیب غوث الیدین فایق وی را از وزارت کشیده روانه منزلش مینماید، این هدایت مرحوم داوودخان بالای (خان محمد خان مرستیال) تاثیر بد نموده، بعد از ان وی با سردار محمد داوودخان قطع رابطه مینماید و دیگر نزد وی نمی رود.

چون در سطور بالا ذکر گردید که، دگروال شاهپور احمدزی، دگروال سعادت خان منگل، پدر(شایسته سعادت لامع) گوینده ورزیده تلویزیون آشنای صدا امریکا که در ضمن دختر عمه محترم من (نویسنده این مقاله) میباشد، دگروال منان خان ، دگروال ماما زرغون شاه شینواری و دگروال کوهان خان شینواری باهم از دوره مکتب حریبه دوستان جانه جانی یکدیگر بودند. بعد از پیروزی تحول ۲۶ سرطان این افراد فوق الذکر تصور میکردند که در روزهای اول به آنها چوکیها بلند داده خواهد شد. از این جمله دگروال های فوق الذکر هر یک دگروال ماما زرغون شاه شینواری و دگروال کوهان خان شینواری مشکلات سردار محمد داوودخان را در نظر نگرفتند و به عجله در گروپ مخالفان داوودخان خود را تنظیم نمودند، دگروال شاپور احمدزی، دگروال منان خان شینواری و دگروال سعادت خان منگل به مثل سابق ارام مسایل را نظاره میکنند. همان بود که در ماه سنبله همان سال دگروال شاهپور احمدزی و دگروال منان خان شینواری به یک رتبه ارتقا بحیث جنرالان که شاهپور احمدزی بحیث قومندان حریه بنوونخی و منان خان شینواری بحیث قوماندان مدافع هوایی کابل تقرر حاصل نمودند و دگروال سعادت خان منگل نظر به خواهش خودش تقاعد گرفت و بعداً بحیث والی یکی از ولایت های افغانستان مقرر شد تا که کودتا هفت ثور به وقوع پیوست.

باور کامل دارم اگر این نو دگروالان هریک دگروال ماما زرغونشاه شینواری و دگروال کوهان خان شینواری دوستان قدیمی مرحوم داوودخان و جنرال خان محمدخان مرستیال کمکی از حوصله کار میگرفتند و ان موی سفید را آرام می گذاشتند، اینها نیز مانند شاهپورخان احمدزی و منان خان شینواری به وظایف حساس گماشته میشدند، ولی بدبختانه این دوستان مرحوم سردار محمد داوودعجله کردند.

جنرال منان خان شینواری در روزهای اول کودتا هفت ثور، و جنرال شاهپورخان احمدزی دو ماه بعد از پیروزی حزب خلق، توسط اعضای حزب دیموکراتیک خلق؟ به شهادت رسیدند. روح شان شاد!

قابل یادآوری است، وقتیکه حزب دیموکراتیک خلق؟ قدرت سیاسی کشور را غصب نمود دگروال کوهان خان که در کودتا محمد هاشم خان میوندوال به بیست سال حبس محکوم گردیده بود در زمان قدرت حزب دیموکراتیک به همراهی دیگر محبوسین سیاسی کودتا محمدهاشم خان میوندوال از حبس رها گردید، وی (دگروال کوهان خان) بعد در زمان حکمروایی ببرک کارمل به حیث والی ولایت ننگرهار مقرر گردید که بعد از چند ماه خدمت به حزب دیموکراتیک خلق؟ دوباره خانه نشین شد.

پایان